

مقدمه

در برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی در دانشگاهها، برای درس قرائت عربی (۳)، گزیده‌هایی از نهج البلاغه یعنی گفتار و نامه‌های امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در نظر گرفته شده است. به همین مناسبت، این مختصر فراهم آمد و اکنون در دسترس دانشجویان قرار می‌گیرد.

از آنجا که سخنان علی (ع) دارای ساختار و سبکی ویژه است که آنها را از خطبه‌ها و سخنان دیگر سخنوران و سخن‌شناسان بزرگ، جدا می‌کند، از دیرباز شمار چشمگیری از نویسندگان، استادان سخن و فرهیختگان فرهنگ اسلامی، به گردآوری و نگهداری آن، روی آورده‌اند و برخی از آنان، به شرح این سخنان نیز پرداخته‌اند؛ از آن جمله‌اند: نصر بن مزاحم مؤلف وقعة صفین (وفات: ۲۰۴هـ)، هشام بن محمد بن السائب الکلبی (۲۱۲هـ - ...)، محمد بن عمر الواقدی مؤلف المغازی (۱۳۰-۲۰۷هـ)، ابو مخنف لوط بن یحیی ازدی (۱۵۷هـ - ...)، ابوالحسن علی بن محمد المدائنی (۱۳۵-۲۲۵هـ)، ابو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ (۱۵۰-۲۵۵هـ)، ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی، مؤلف مروج الذهب (۳۴۶هـ - ...)، ابو عبدالله محمد بن سلامة القضاعی مؤلف شهاب الأخبار (۴۵۴هـ - ...)، عبدالواحد بن محمد بن الواحد الأمیدی التمیمی مؤلف غرر الحکم و درر الکلم (۴۳۶هـ - ..)، رشیدالدین محمد بن محمد، معروف به «رشید و طواط» مؤلف مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب (۵۷۳هـ - ...).

۱. تاریخ الأدب العربی، بروکلیمان، ۱: ۱۷۹، ولی مؤلف الذریعة تاریخ درگذشت آمدی را ۵۱۰هـ آورده است (بر پایه آنچه که بر پشت نسخه‌ای خطی که در تاریخ ۱۰۰۷ نوشته شده، آمده است) (الذریعة، ۱۶: ۳۸).

عزالدین عبدالحمید بن ابی‌الحدید و کسانی دیگر.^۱ ولی از آن میان، کامل‌ترین و دقیق‌ترین نسخه سخنان و نامه‌های امیرمؤمنان علی (ع) کتاب *نهج‌البلاغه* است که در قرن چهارم هجری به کوشش و انتخاب ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی معروف به «الشریف الرضی» (۳۵۹-۴۰۶هـ) فراهم آمده است.^۲

گذشته از کسان یاد شده، بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران، از سخنان و نامه‌های امیر مؤمنان علی (ع) در نوشته‌های خود بهره برده و شماری نیز آنها را سرمشق نوشته‌های خود می‌نهادند. نویسنده بزرگ و دبیر نامداری همچون عبدالحمید بن یحیی معروف به عبدالحمید کاتب، در رسائل و نامه‌های خویش، از خطبه‌ها و نامه‌های امیر مؤمنان، سود می‌برده است.

عبدالحمید دبیر مروان بن محمد، بازپسین خلیفه اموی بود و هموست که پایه‌های رسائل (نامه‌ها، به ویژه نامه‌های دیوانی) در زبان عربی را استوار کرد. از آنجاست که گفته‌اند: «فُتِحَتِ الرَّسَائِلُ بَعْدَ الْحَمِيدِ وَ خُتِمَتْ بِابْنِ الْعَمِيدِ».^۳ گویند عبدالحمید در کار دبیری و نوشتن رسائل خویش، از ساختار و سبک گفته‌ها و نامه‌های علی بن ابی‌طالب، بسیار سود می‌جسته است.^۴

ابوالحسن عامری نیشابوری (م. ۳۸۱هـ) که از دانشمندان بزرگ روزگار خویش بوده و پیش از شریف رضی مؤلف *نهج‌البلاغه* زندگی می‌کرده، در کتاب خود *السَّعَادَةُ وَالْإِسْعَادُ* که موضوع آن اخلاق است، از سخنان امیر مؤمنان علی (ع) در بسیاری جاهای کتاب خود بهره برده است، به ویژه از فرمان بلند علی (ع) به مالک بن الحارث الاشر.^۵

شریف رضی در آغاز کتاب *نهج‌البلاغه* از مآخذ و منابع سخنان و نامه‌های

۱. شرح *نهج‌البلاغه*، ابن ابی‌الحدید، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مقدمه مصحح، ص ۶.

۲. همان‌جا.

۳. تاریخ *آداب اللغه العربیه*، جرجی زیدان، ۱: ۳۱۳.

۴. عبدالحمید از خاندانی ایرانی بود و به هنگام سرنگونی حکومت بنی‌امیه در سال ۱۳۲هـ به دست خراسانیان، در شهر بوسیر کوریدس کشته شد (تاریخ *الادب العربی*، عمر فروخ، ۱: ۷۲۴-۷۲۵).

۵. بنگرید: *السَّعَادَةُ...*، ص ۱۶۶، ۱۸۸، ۲۴۶ و....

متن *نهج البلاغه* نام نمی‌برد. روشن است که در گذشته‌های دور، نویسندگان و مؤلفان کتابها رسم نبوده که مصادر نوشته‌های خود را چنان که نویسندگان امروز از منابع پژوهشها و نوشته‌های خود، نام می‌برند و شناسنامه آنها را روشن می‌گردانند، نام ببرند. ولی با این همه، از جای جای *نهج البلاغه* چنین برمی‌آید که مؤلف آن، بیش از همه، از این مصادر سود برده است: *البیان و التبيين الجاحظ، المقتضب مبرّد، کتاب المغازی سعید بن یحیی اموی، کتاب الجمل الواقدی، المقامات فی مناقب امیرالمؤمنین ابو جعفر اسکافی، تاریخ الطبری محمد بن جریر الطبری، حکایت امام باقر (ع)*، روایت *جُحیفَة و حکایت ثعلب* از ابن الأعرابی و نیز گویا از شماری مآخذ دیگر که در لابه‌لای کتاب از آنها نام نبرده است.^۱

به هر روی، *نهج البلاغه* یکی از پربرترین متنهای اسلامی است که پس از قرآن کریم و سخنان و نوشته‌های پیامبر گرامی اسلام - چنان که یاد شد - از نخستین سده‌های اسلامی طرف توجه ادب‌دوستان نکته‌سنج و سخن‌شناس بوده است. ساختار درونی و بیرونی و نیز سبک سخن این کتاب، آن را در پایگاهی نهاده است که تعیین ارزشهای راستین آن، کاری آسان نیست. استاد محمد عبده مصری - یکی از شارحان *نهج البلاغه* - در مقدمه ادیبانه و پربار خود بر کتاب می‌نویسد:

«ذلک الکتابُ الجلیلُ هو جُمْلَةُ ما اختاره السیدُ الشریفُ الرضیُّ - رَحِمَهُ اللهُ - مِن کلامِ سیدنا و مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ. جَمَعَ مُتَفَرِّقَهُ و سَمَّاهُ بِهَذَا الاسْمِ (نهج البلاغه)... و لیسَ فی وُسعی أَن اُصِفَ هَذَا الکتابَ بِأَزیدَ مِمَّا دلَّ علیه اسمُهُ، ولا أَن آتیَ بِشَیْءٍ فی بیانِ مَزیَّتِهِ فوقَ ما آتیَ به صاحبُ الاختیار، کما سَتَرِی فی مقدمَةِ الکتاب»^۲.

می‌بینیم که استاد عبده درباره *نهج البلاغه* می‌گوید: من بیش از آنچه از نام کتاب (*نهج البلاغه*) برمی‌آید و نیز بیش از آنچه که مؤلف آن (الشریف الرضی) درباره آن گفته است، نمی‌توانم سخنی بگویم. خواننده *نهج البلاغه*، گذشته از ارزشهای بلاغی، هنر دل‌انگیز سخنوری،

۱. شرح *نهج البلاغه*، ابن ابی الحدید، ۱: ۷ (مقدمه مصحح).

۲. شرح *نهج البلاغه*، عبده، ص ۴ (مقدمه شارح).

مایه‌های ادبی، تاریخی، فقهی، ایهامهای بسیار ظریف، تلمیحهای سنجیده و اقتباسهای استادانه از آیات قرآن، در این کتاب در همه بخشهای آن، با راستی، آزادگی و خلوصی جان‌پرور که با جهان قدس ملکوت پیوند خورده است، روبه‌رو می‌گردد.^۱

پانزده گفتار از نهج البلاغه

نگارنده بر این باور است که این پانزده گفتار از نهج البلاغه با گزیده‌هایی از متن آن کتاب که همراه این گفتارها آمده، دارای پانزده پیام پربار از سخنان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) است و می‌تواند به گونه‌ای فشرده، نمایشگر همه پیامهای نهج البلاغه باشد؛ زیرا همراه هر یک از این پانزده گفتار و پیامهای سترگ آنها، خرده‌پیامهایی نیز هست که آن پیامهای بنیادین پانزده‌گانه با خرده‌پیامهای بسیار و گونه‌گون همراه خود، بر روی هم و فهرست‌وار، می‌توانند همه پیامها و هدفهای متن نهج البلاغه را پوشش دهند.

موضوعهای اساسی متن نهج البلاغه

شریف رضی در مقدمه خود بر این کتاب می‌گوید: [پس از گردآوری سخنان و نوشته‌های امیرالمؤمنین (ع) و بررسی و سنجش آنها] بر این باور شدم که همه سخنان او، بر گرد سه بنیاد می‌گردد: ۱) خطبه‌ها و فرمانها، ۲) نامه‌ها، ۳) دانشها (الحکم) و اندرزها. در بخش نخست، عنوان «مِنْ خُطْبَةِ لِه - عَلَيْهِ السَّلَام» یا «مِنْ كَلَامِ لِه عَلَيْهِ السَّلَام»، در آغاز همه سخنان این بخش دیده می‌شود. سرعنوان انتخابی شریف رضی برای این بخش چنین است:

«بَابُ الْمُخْتَارِ مِنْ خُطْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ أَوْامِرِهِ»^۲

بخش دوم (نامه‌ها)، از اعتبار و اصالت بیشتری برخوردار و احتمال نقل به معنی در آنها کمتر است؛ زیرا ناگفته روشن است که نوشته، با همه آسیبهایی که از رهگذر دست به دست شدن و گرفتار آمدن آن به دستکاریها و اظهار نظرها و

۱. نیز بنگرید: همان، مقدمه شارح.

۲. همان، ۱: ۱۲-۱۳.

سلیقه‌های نسخه‌برداران می‌بیند، با حفظ نسبی شخصیت و ویژگیهای سبک و ساختار خود، به عنوان سندی تاریخی، به زندگانی خود، ادامه می‌دهد. در صورتی که سخنان نانوخته، تنها از حافظهٔ راویان آنها مدد می‌جوید و همواره از سینه‌ای به سینه‌ای دیگر، راه می‌یابد و در این جابه‌جا شدنهای بسیار، بسا ممکن است گرفتار آن‌چنان دگرگونی و آشفته‌گی شود که قالب و پیکره و شیرازه نخستین خود را یکباره از دست بدهد و تنها فشرده‌ای کم‌رنگ از مضمون آن، بر جای بماند. سفارشها (وصایا)، دستورهایی در قالب نوشته (عهد)، نیز در همین بخش نامه‌ها آمده است.

با این همه، سخن دربارهٔ *نهج البلاغه* از گونه‌ای دیگر است. همان‌گونه که شریف رضی خود در مقدمه خویش بر *نهج البلاغه* می‌گوید و دیگر پژوهشگران متن سخنان امیر مؤمنان علی (ع) نیز گفته‌اند: همهٔ بخشهای *نهج البلاغه*، چه بخش نامه‌ها - که اعتبار ویژه خود را دارد - و چه دو بخش دیگر این کتاب گرانبار، از دید سندپژوهی و درایهٔ الحدیث، از اعتبار ویژه و بالایی برخوردار است.

سید عبدالرضا هراء الحسینی الخطیب، مؤلف کتاب سه‌جلدی *مصادر نهج البلاغه* به نقل از زید بن وهب *جُهَیْنی* [از بنی *جُهَیْنه*] مؤلف کتاب *اتقان المقال* (ص ۱۹۲) می‌نویسد:

خطبه‌های امیر مؤمنان علی (ع)، بالای منبرها، در گردهماییها و روزهای عید و ... خوانده می‌شد. سپس سید عبدالزّهراء می‌افزاید: «و الظاهر أنه أول كتاب جمع فی کلام علی (ع)» (گویا این کتاب نخستین کتابی است که سخنان علی، در آن گرد آمده است). کتاب *أسد الغابة فی معرفة الصحابة* نوشتهٔ عزالدین ابن الأثیر *جزری*، تاریخ درگذشت زید بن وهب را سال ۹۲ هجری یاد کرده است.^۱

از این رو می‌توان گفت که: خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) از نخستین دهه‌های نیمه دوم سده یکم هجری، برای سخنوران و ادب‌دوستان آشنا بوده است و آنان از این سخنان بهره می‌برده‌اند.

استاد ابوالفضل ابراهیم، مصحح دانشمند شرح *نهج البلاغه*، ابن ابی‌الحدید (در

۲۰ بخش در ۱۵ جلد و نیز یک جلد فهرستهای کتاب)، همچنین محقق و مصحح بسیاری دیگر از متنهای کهن و گرانبار فرهنگ اسلامی، درباره متن نهج البلاغه می نویسد:

«و أنت إذا تأملت نهج البلاغة وجدته كله ماءً واحداً و نفساً واحداً و أسلوباً واحداً كالجسم البسيط الذي ليس بعض من أبعاضه مخالفاً لباقي الأبعاض في الماهية...»^۱

هرگاه به ژرفی در کتاب نهج البلاغه بنگری، خواهی دید که همه آن از یک سرچشمه و از آهنگ سخن یک تن است، دارای سبکی یگانه، همچون پیکری یگانه است که همه اندامهای آن، در بنیاد، هماهنگ و همساز باشند.

دکتر سید محمد حسینی

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱ (مقدمه مصحح، ص ۹).